



گزارشی از فعالیت و دیدگاه‌های انجمن حمایت از کودکان کار

کودکان کار متولی ندارند

انجمن می‌خواهد یک وعده غذایی گرم در روز را با صبحانه همراه کند؛ کمکی به بچه‌های کار که اغلب سوء تغذیه دارند اگر بخواهید برای بچه‌های بیمار تأمین بودجه کنید در سه شماره منابع تأمین می‌شود اما برای کودک کار این طور نیست. ما هنوز نتوانسته‌ایم حمایت موثر از این کودکان را به همه آموزش دهیم.

حالا اوضاع کار کودکان با ۱۴ سال قبل تفاوت زیادی دارد. اگر آن روزها خیلی‌ها منکر وجود کودک کار می‌شدند، حالا دیگر همه‌مان در روز به این کودکان برمی‌خوریم.

یادداشت ۲

غذا، محبت و امنیت

آنچه از کودکان کار دریغ شده

زهرا رونق | روانشناس و عضو انجمن حمایت از کودکان کار

سال ۸۹ بود که فعالیتیم را با انجمن حمایت از حقوق کودکان کار شروع کردم. فعالیتی که تا دوپلانه نبود و رابطه خوبی بین من و بچه‌ها به وجود آورد. در تمام سال‌هایی که در خدمت این بچه‌ها بودم یاد آن‌ها می‌ماند. برای همین هم این بچه‌ها به شدت به بازی نیاز دارند تا بتوانند برای مدتی از آن احساس بدی که دارند فاصله بگیرند. مشکلات دیگری که این بچه‌ها دارند مربوط به مهارت‌های زندگی را خوب بلد نیستند، برای مثال در زمینه نیاز دارند تا به آنها آموزش داده شود. یاد گرفتن مهارت‌های زندگی به این‌ها کمک می‌کند و باعث می‌شود با کینه و سرخوردگی رشد نکنند. ضمن این که ما تلاش می‌کنیم جلسات آموزشی هم برای والدین برگزار کنیم و به آنها یاد بدهیم که چگونه باید با بچه‌هایشان رفتار کنند. چیزی که درون این خانواده‌ها به شدت نایب شده، بحث احترام متقابل است. اگر چه که ممکن است در این کلاس‌های آموزشی همه والدین حضور نداشته باشند اما ما تلاش می‌کنیم که حتی شده برای یک نفر تاثیر گذار باشیم. در واقع از روز اول به این فکر نکردیم که کلاس کارآموزان ۵۰ نفر شرکت‌کننده داشته باشند، بلکه به این فکر بودیم که حتی اگر یک نفر دوست دارد تغییر کند ما این کمک را به او کرده باشیم. جالب اینجاست که ما در این انجمن هم با کودکان ایرانی کار می‌کنیم و هم کودکان افغانستانی که بچه‌های افغان انگیزه‌های بیشتری برای پیشرفت دارند. آنها به دلیل شرایط سختی که آنها را مجبور به مهاجرت کرده، تلاش می‌کنند هر چه سریعتر از این وضع خارج شوند و زندگی بهتری داشته باشند. این روحیه پشیمانی و تمایل به تغییر متأسفانه در کودکان ایرانی کمتر است و اتفاق خوشایندی هم نیست اما همه کسانی که در رابطه با کودکان کار می‌کنند امیدوارند که این بچه‌ها آینده روشنی داشته باشند. علم روانشناسی می‌گوید هفت سال اول زندگی شخصیت و روحیه افراد را شکل می‌دهد و باقی زندگی او را می‌سازد اما ما همه تلاش مان را می‌کنیم که این بچه‌ها با آموزش‌هایی که می‌بینند و با تلاشی که خودشان به خرج می‌دهند بتوانند مسیر زندگی‌شان را تغییر دهند و به بهترین‌ها دست پیدا کنند.

برایش باز کنیم که بتوانند شناسنامه بگیرند. این پروسه هم خیلی کار سخت و پیچیده‌ای است و باعث می‌شود این افراد از ادامه راه پشیمان شوند. حالا اوضاع کار کودکان با ۱۴ سال قبل تفاوت زیادی دارد. اگر آن روزها خیلی‌ها منکر وجود کودک کار می‌شدند، حالا دیگر همه‌مان در روز به این کودکان برمی‌خوریم. نمی‌شود آنها را ندید. حاشی می‌گوید حالا به قدری مشکلات اقتصادی زیاد است که بخش کوچکی از آنها بچه‌های کار هستند. بعد هم گله می‌کنند، حالا دیگر همه‌مان در روز به این آوای باران بدترین اتفاق را برای فعالان کودکان کار رقم زد. او هم مثل دیگر همکارانش در آن‌جا می‌گوید دیگر می‌گوید بچه‌های کار که عضو باند باشند زیر پنج‌ده هستند. حاشی می‌گوید: «هدف ما از آغاز این بود که کار کودک حذف شود. می‌خواستیم این پیام را به قانون‌گذاران برسانیم که کودک نباید کار کند اما وقتی این اتفاق می‌افتد، دیگر پرونده مسائلی آموزش و پرورش، وزارت کار یا بهداشتی باید برای کودک کار و حقوق‌اش تصمیم بگیرد و ما دنبال این هستیم که یک نهاد فراقوه‌ای متولی حقوق کودک باشد. وقتی این اتفاق می‌افتد، دیگر پرونده مسائلی چون بدهکاری یا کودک‌کشی در آموزش و پرورش یا بی‌توجهی ماندن مسائلی که کودکان و نوجوانان در محیط کار دارند چون ساعت کاری پیگیری می‌شود. الان در قوانین داریم که یک نوجوان ۱۵ ساله اگر مجبور به کار شد، باید نیم ساعت کمتر از دیگران کار کند اما آیا می‌توان کارفرما را مجاب کرد یا می‌توان ساعت کاری بچه‌ها را کنترل کرد؟ برای احقاق حقوق کودک و دفاع از آنها باید یک نهاد بازرسی که زیرمجموعه نهادهای نباشد، وجود داشته باشد.» او می‌گوید کار کودک را باید به‌صورت مجموعه و زنجیره‌ای از عوامل دید و ادامه می‌دهد. «کار کودک غیر قانونی است و مساله‌ای است که خانواده، بیکاری،

پیش‌گرفته‌ایم، آنها از این طریق کارهایی چون جوشکاری، کابینت‌سازی و خیاطی یاد می‌گیرند تا بعداً وارد کار مناسب‌تری شوند. هنرآموزی بیشتر برای آن است که بچه‌ها بتوانند مهارت‌های خود را کارکردن روانشناسی دارد. آنها از این طریق غم‌ها را بیرون می‌ریزند. ما نمی‌خواهیم فقط آموزشی باشیم بلکه بخش حمایتی و مددکاری برایمان مهم است. مددکاری هم فقط برای خود بچه‌ها نیست، آنها از خانواده‌های آسیب‌دیده هستند و ما دنبال این هستیم که به خانواده‌هایشان مددکاری بدهیم. برنامه‌هایی چون سوادآموزی برای مادران هم در همین راستاست. «چند نفری از آنها حالا دانشجو هستند. حسابداری می‌خوانند یا حقوق و زندگی‌شان را با تلاش و حمایت تغییر داده‌اند. انجمن کودکان کار یک هیأت امنای یازده نفره و یک هیأت‌مدیره هفت نفره دارد و در حال حاضر ۶۰۰ کودک را تحت حمایت خود دارد. در چهار مرکز تهران و یک مرکز در یم که پس از زلزله هم راه افتاد. یک مرکز در منطقه ۱۵ و چهار مرکز در منطقه ۱۲ که یکی از آنها «مرکز همه کودکان» است. سال گذشته این انجمن توانست با مشارکت شهرداری و آموزش و پرورش به ثبت‌نام کودکان افغانستانی در شصت و یک مدرسه متوسطه مدارس کمک کند و حالا ۲۵۰ نفر از آنها در حال تحصیل‌اند. حاشی دربار مرکز همه کودکان که در رابطه با کولی‌ها فعالیت می‌کند، می‌گوید: «خیلی از این بچه‌ها خارج از عرف به دنیا آمده و شناسنامه ندارند چون فرهنگ کولی‌ها متفاوت است. تلاش بخش حقوقی ما این است که برایشان شناسنامه تهیه کنیم. امسال به آموزش و پرورش اعلام شده که هر بچه‌ای می‌تواند برای تحصیل ثبت‌نام شود اما باید یک قدم عقب‌تر این ماجرا یعنی تهیه شناسنامه برای این بچه‌ها را دید. مدرک هویتی پایه‌ای‌ترین حق هر انسانی است و باید بتوانیم راهی

چرا فکر می‌کنید کودکان کار غمگین‌اند؟

معصومه نوری | مددکار انجمن حمایت از کودکان کار

پیش‌دبستانی تا کلاس هشتم را برای آنها برگزار می‌کنند. بچه‌ها معمولاً بعد از کلاس هشتم می‌توانند دنبال مدارک هویتی خود باشند و در مدرسه‌های دولتی ثبت‌نام کنند. از طرف دیگر کودکان کار هم به دلیل این که نان آور خانه هستند معمولاً بعد از کار به بچه‌های دیگری می‌پیوندند و سعی می‌کنند درس بخوانند. شاید بد نباشد حالا که فرصتی دست داده تا راجع به این بچه‌ها نوشته شود، این را بگویم که برخلاف باور عموم که خیلی از کودکان کار را سازماندهی شده و متعلق به باندهای مختلف می‌دانند، بچه‌هایی که در این انجمن درس می‌خوانند و کار هم می‌کنند اکثر

نزدیک ۶ ماه است که به انجمن کودکان کار و خیابان پیوسته‌ام. کار کردن با بچه‌ها خوب و لذت‌بخش است و برخلاف تصور عموم که فکر می‌کنند این کودکان غمگین هستند و از شادی خیلی دورند، من با بچه‌های سرور کار دارم که به شدت روحیه خوب و برای زندگی انگیزه‌های زیادی دارند. وقتی برایشان موسیقی می‌گذاریم این شادی دوچندان می‌شود و علاقه زیادی نشان می‌دهند. خیلی از بچه‌هایی که در انجمن مشغول به کار هستند هیچ برگی هویتی ندارند. برای همین نمی‌توانند در مدرسه ثبت‌نام کنند. آنها به ما معرفی می‌شوند و در کلاس‌ها شرکت می‌کنند. انجمن از



عکس: مهیار